

عروه بن زبیر اسدی قریشی مدنی

الحاج عبدالکریم غریق

عروه بن زبیر بن عوام بن خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی اسدی قریشی مکنی به ابو عبدالله مدنی مادرش اُسما دختر ابوبکر صدیق است. نامبرده امام و عالم اهل مدینه، محدث کثیرالحديث، فقیه قابل اعتماد، یکی از فقهای هفتگانه و تابعان معروف می باشد. وی در اواخر دوران خلافت حضرت عمر فاروق در سال ۲۲ یا ۲۳ هجری قمری و بنا به قول بعضی از مورخین در اوایل خلافت حضرت عثمان متولد گردیده و بنا به گفته مصعب زبیری بین او و برادرش عبدالله بیست سال فاصله سنی بود. فرزندان عروه عبارت اند از: عبدالله، عمر، اسود، ام گلثوم، عایشه و ام عمر که مادر ایشان فاخته دختر اسود بن ابی البختری بن هاشم بن حارث بن اسد بن عبدالعزی است و یحی، محمد، عثمان، ابوبکر، عایشه و خدیجه که مادرشان ام یحی دختر حکم بن ابی العاص بن امیه بن عبد شمس است و هشام و صفیه که مادرشان کنیزی است و عبیدالله که مادرش اُسما دختر سلمه بن ابی سلمه بن عبدالاسد از خاندان مخزوم است و مصعب و ام یحی که مادرشان کنیزی به نام واصله است و دختری هم به نام اُسما داشته است که مادرش سوده دختر عبدالله بن عمر است و مادر سوده صفیه دختر ابو عبید بن مسعود ثقفی بوده است. نامبرده از پدرش زبیر بن عوام و برادرش عبدالله بن زبیر و مادرش اُسما دختر ابوبکر صدیق و خاله اش ام المومنین عایشه و علی بن ابی طالب و سعید بن زید بن عمرو بن نفیل و حکیم بن حزام و زید بن ثابت و عبدالله بن جعفر و عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر و عبدالله بن عمرو بن عاص و اسامه بن زید و ابو ایوب انصاری و ابو هریره و حجاج اسلمی و سفیان بن عبدالله ثقفی و عمرو بن عاص و محمد بن مسلمه و مسور بن مخرمه و مغیره بن شعبه و ناجیه اسلمی و ابی حمید ساعدی و هشام بن حکیم بن حزام و نیار بن مکرم و بسره دختر صفوان و زینب دختر ابی سلمه و عمر بن ابی سلمه و مادرشان ام المومنین زوجه رسول الله (ص) و ام هانی دختر ابوطالب و ام المومنین ام حبیبه دختر ابوسفیان و جابر بن عبدالله انصاری و نعمان بن بشیر و عبیدالله بن عدی بن خیار و مروان بن حکم و بشیر بن ابو مسعود انصاری و حمران مولای حضرت عثمان و عبدالله بن زمعه بن اسود و عبدالرحمن بن عبدالقاری و نافع بن جبیر بن مطعم و ابی مراوح غفاری و ابی سلمه بن عبدالرحمن و مردمان زیاد دیگر حدیث روایت نموده و از او فرزندان عبدالله، عثمان، هشام، محمد و یحی و نواسه اش عمر بن عبدالله بن عروه و بردرزاده اش محمد بن جعفر بن زبیر و ابوالاسود محمد بن عبدالرحمن بن نوفل و حبیب و زمیل و سلیمان بن یسار و ابوسلمه بن عبدالرحمن و ابو برده بن ابو موسی و عبیدالله بن عبدالله بن عتبه و تمیم بن سلمه سلمی و سعد بن ابراهیم بن عبدالرحمن بن عوف و سعید بن خالد بن عمرو بن عثمان بن عفان و صالح بن کیسان و زهری و عبدالله بن ابوبکر بن محمد بن عمرو بن حزم و ابو زناد و ابن ابی ملیکه و عبدالله بن نیار بن

مکرم اسلمی و عبدالله بن بهی و عراق بن مالک و عطا بن ابی رباح و عمر بن عبدالعزیز و عمرو بن دینار و محمد بن ابراهیم تیمی و محمد بن منکدر و مسافع بن شیبه و هلال الوزان و یزید بن رومان و یزید بن عبدالله بن خصیفه و ابوبکر بن حفص بن عمر بن سعد بن ابی وقاص و جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی و صفوان بن سلیم و یحیی بن ابی کثیر و جماعتی دیگر روایت نمودند.

نامبرده شخص صالح و عالم به دین بود و در فتنه های آن روزگار دخالتی نکرد وی مردی سخی، جواد و با کرامت بود و برای اهالی مدینه در آن شهر چاهی حفر کرد که آبی بهتر و گوارا تر از آن در مدینه نیست و بنام چاه زبیر معروف است.

عروه محدث مورد اعتماد و فقیهی بلند مرتبه امین و دقیق بود و علاوه بر فقاہت و روایت حدیث شعر نیز می سروده و یکی از شعرای عصر خود بوده است چنانچه وقتی در عقیق زنده گی می کرد شعری سروده که مطلع آن چنین است: بنیانه فاحسنا بناه بحمدالله فی خیرالعقیق.

ابن سعد در کتاب طبقات آورده است که اسماعیل بن عبدالله بن ابی ادیس از گفته پدرش از عبدالله بن حسن برای ما نقل کرد که می گفته است: همه شب علی بن حسین بن علی بن ابی طالب و عروه بن زبیر پس از نماز عشاء در انتهای مسجد پیامبر(ص) می نشستند و من هم همراهی شان می نشستم شبی ضمن گفتگو سخن از ستمگران بنی امیه پیش آمد و اینکه مجبور به زنده گی با آنان هستند و توان دیگرگون ساختن ظلم و ستم را هم ندارند در دنباله سخن گفتند که از عقوبت خدا در این باره می ترسند، عروه به علی بن حسین گفت: ای علی! هرکس از اهل ستم کناره گیرد و خداوند از خشم نسبت به کردار آنان آگاه باشد بر فرض که به فاصله یک میلی شان زنده گی کند امید است که اگر عقوبت و عذاب خدا به ایشان برسد او از آن عذاب به سلامت بماند. گویند: عروه پس از آن از شهر مدینه کوچ کرد و در عقیق ساکن شد (عقیق نام چشمه سار و نخلستانی در حومه مدینه است).

عروه بعدا نیز به بصره رفت و باز بنا به گفته ابن یونس در تاریخ غربا به مصر رفت و در آنجا با زنی از بنی وعله ازدواج کرد و مدت هفت سال در آنجا اقامت گزید آنگاه به مدینه باز گشت او در مدینه صاحب خانه بزرگی بود. عروه گرفتار بیماری خوره در پای خود شده بود و پای او را قطع کردند و مدت هفت سال بعد از آن بزیست و بالاخره در سال ۹۳ و به قولی ۹۴ و به گفته بعضی ها در سال ۹۵ هجری قمری وفات یافت اما هارون بن محمد می گوید: وی در سال ۹۹- ۱۰۰ و یا ۱۰۱ هجری قمری وفات یافته است و زبیر بن بکار آورده که نامبرده در زمان وفات ۶۷ ساله بوده است و در کتاب طبقات ابن سعد به نقل از محمد بن عمر واقدی از گفته عبداحکیم بن عبدالله بن ابی فروه آمده است که عروه بن زبیر در مزارع خود که در روستای مجاح در ناحیه فرع



قرار داشت به سال ۹۴ هجری قمری در گذشت و روز جمعه همانجا او را به خاک سپردند، و به سبب آنکه مرگ بسیاری از فقیهان به سال ۹۴ هجری قمری اتفاق افتاد آن سال را (سنه الفقهها) نام نهادند.

منابع:

- تهذیب التهذیب جلد چهارم صفحه ۱۱۳، ۱۱۴ و ۱۱۵
طبقات محمد ابن سعد جلد پنجم صفحه ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶ و ۲۹۷
عصر تابعین از صفحه ۴۱ الی صفحه ۵۷
لغت نامه دهخدا جلد اول صفحه ۸۷۹ و جلد دهم صفحه ۱۵۸۴۷